

آیا واقعا آقا محمد خان قاجار هر می از سر و چشم ساخت؟

۴ آذر ۱۳۹۳ ساعت ۱۸:۰۱

آقا محمد خان در ذیقعه ۱۲۰۸/۱۲۰۸ خرداد ۱۱۷۳ بعد از چندسال جنگ با لطفعلی خان او را در کرمان محاصره کرد ولی لطفعلی موفق به فرار شد و به بم رفت اما محمدعلی خان سیستانی حاکم وقت بم با نکرانی از عواقب نگه داری وی او را به محمد خان تحویل داد و محمد خان لطفعلی را کور کرد.

یکی از بزرگترین دروغ های تاریخ ایران ماجرای محمدخان قاجار و کشتار او در کرمان است. ما محمدخان را مردی بیمار سرشار از عقده و کینه و ظالم میدانیم و با آمدن نامش به یاد کله منار و کوهی از چشمان از حدقه درآمده بیوفتیماما واقعا محمدقاجار فقط کینه و عقده بود؟ اقامحمد خان قاجار پسر بزرگ محمد حسن خان قاجار به جز بعد ستمگری خود دارای بعد دیگری بود که در بحرانی ترین شرایط تاریخ ایران کشور از هرج و مرج نجات داد و عامل تجدید حیات سیاسی و ارضی کشور بود.

حمله آقا محمدخان قاجار به کرمان و محاصره شهر برای ۵ ماه باعث بروز قحطی و در نهایت تنبیه عده ای از مردم و دستگیری لطفعلی خان زند شد که حقیقتی غیر قابل انکار است اما آیا ابعاد این فاجعه همانطور که می گویند بزرگ است؟ شاید بتوان این ماجرا را با هولوکاست از منظری یکسان دانست. منظری که این اتفاقات واقعا اتفاق افتاده اند و غیرقابل انکارند ولی در آن ها اغراق شده است.

محمد خان در ذیقعه ۱۲۰۸/۱۲۰۸ خرداد ۱۱۷۳ بعد از چندسال جنگ با لطفعلی خان او را در کرمان محاصره کرد ولی لطفعلی موفق به فرار شد و به بم رفت اما محمدعلی خان سیستانی حاکم وقت بم با نکرانی از عواقب نگه داری وی او را به محمد خان تحویل داد و محمد خان لطفعلی را کور کرد. وقایع دوران محاصره کرمان و درست کردن کله منار و درآوردن بیش از ۲۰ هزار جفت چشم به عنوان نمادی از وحشیگری محمد خان همیشه مورد توجه مورخان بوده است. اما نوشته ی مورخان در این مورد تناقض های بسیاری دارند. همانطور که گفته شد این اتفاقات غیرقابل انکارند اما با بررسی منابع متوجه می شویم که این منابع عاری از دروغ و بزرگنمایی نیستند.

محاصره شهر باعث قحطی شد و ۱۰ هزار نفر از مردم شهر به محمدخان پناه بردند که مورد عفو قرار گرفتند هر چند که برخی مورخان معتقدند جمعیت کرمان اینقدر نبوده است. مورخان از بخشیده شدن ۸ تا ۲۰ هزار (تناقض) زن و بچه به سربازان و به اسارت گرفتن آن ها سخن گفته اند. به غیر از این گفته شده که چشمان تمام مردان شهر از حدقه بیرون آورده شده یکی از نویسندگان

تعداد این مردان را ۷ هزار و دیگری سخن از ۷ من چشم کرده است (تناقض). سرپرسی سایکس (نویسنده) که ۱ قرن بعد از این واقعه این جمله ها را نوشته است با جانبداری از زندیه و بدون تحقیق آورده است. محمد خان به سربازان دستور داده بود تا تعداد چشمان را بشمارند و اگر کم بیاید چشمان خود آن ها را درخواهد آورد. همچنین او از گردن زدن افراد و ساختن هرم از آن ها سخن به میان آورده است.

نوشته نویسندگان زندیه

میرزا محمد رضای شیرازی و محمد تقی ساروی از نزدیکان دربار زندیه بودند ولی با این وجود هیچ عدد و رقمی از شمار کشته ها و چشم ها و گزارشی از تجاوز به زنان در نوشته ی آن ها وجود ندارد. آنچه از نوشته ان ها بر میاید این است که کشته ها از نیروهای نظامی و طرفداران زندیه بوده است. از نوشته ان ها بر می آید که پس از سقوط کرمان جز کسانی که در شهر در طی جنگ توسط هر دو طرف دعوا کشته شدند کسی از اهالی شهر کشته نشده زیرا بنا به نوشته ان ها و همچنین محمد جعفر نائینی و شیرازی تمام کسانی که پس از فرار خان زند به بم کشته شدند نه در داخل شهر بلکه در محل اردوگاه اقا محمد بوده است این یعنی اینکه کشته شدگان مردم عادی نبودند. خود نائینی می نویسد تمام مردگان از سرکردگان لطفعلی و دیگر لشکریان او بوده است.

جمیعت کرمان چقدر بوده است؟

با توجه به اطلاعات غلط برخی نویسندگان جمیعت ان زمان کرمان ۳۵ هزار بوده است. طبق این نوشته ها از این ۳۵ هزار ۱۰ هزار به اقا محمد پیوستند ۱۲ هزار به خاطر پناه بردن به یکی از حامیان خان قاجار نجات پیدا کردند ۸ هزار کشته شدند ۱ هزار نفر جوانانی بودند که از شهر کوچانده شدند و بالاخره ۵ هزار نفر در کرمان زنده ماندند. اما این رقم ۳۵ هزار اشکارا غیرواقعی است. در ان زمان حتی شهر های بزرگ ایران مانند اصفهان و تبریز هم به سختی چنین جمیعتی داشتند. توجه داشته باشید که ما در مورد شهر کرمان ان زمان صحبت می کنیم نه استان امروزی کرمان. بر اساس آخرین سرشماری در سال ۹۰ جمیعت شهر کرمان حدود ۵۳۵ هزار بوده است. با توجه به وسعت شهر در طول این سال ها چطور می شود جمیعتی بالغ بر ۳۵ هزار نفر در کرمان وجود داشته باشند؟

وسعت کرمان چقدر بوده است؟

دروازه ای که محمد خان از ان وارد کرمان شد دروازه مسجد بود که محل فعلی ان میدان شهدا است که امروزه تقریبا در وسط شهر قرار دارد. با توجه به محل بازار و کاروانسراها و دیگر دروازه ها روشن است که وسعت کرمان چیزی حدود ۲۰۰ هکتار بوده است. با وجود ۳۵ هزار نفر در زمینی به این مساحت غیر قابل باور است. باقی ماندن ۷ یا ۱۰ هزار نابینا در شهر نیز چیزی نیست که از دید سیاحانی که تا چند سال بعد از کرمان عبور کرده اند از چشم پنهان بماند. برخی از نویسندگان اشاره دارند که شخصی به نام پوتینجر که هندی بوده ۱۶ سال بعد از وقوع حادثه از کرمان گذشته و کله منار را دیده. اما باید توجه داشت که

هوای کرمان بسیار گرم بوده و با وجود حیوانات امکان نداشته این کله منار بعد ۱۶ سال پابرجا بماند. علاوه بر این پوتینجر هیچگاه در نوشته هایش به افراد نابینای شهر اشاره ای نکرده در حالی که بر اساس امار یکی از نویسندگان باید یک دهم از کور شده ها در شهر در حال حیات می بودند و به طور حتم توجه پوتینجر به آنان جلب می شده است.

همانطور که گفته شد در طول محاصره کرمان فجایع بسیاری رخ داده است با این حال مانند بسیاری از وقایع تاریخی غلوهای زیادی در آن شده است. اتفاقا محمد خان همیشه در تاریخ ایران شخصیتی منفور بوده است اما این دلیل موجهی بر این نیست که هر چیزی که در مورد او گفته می شود پذیرفته شود.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۵۱۵۷/آقا-واقعا-آیا/۳۵۱۵۷>